

فهرست

- یکی دو نکته درباره‌ی پیتز کری ۷
- خیکی‌ها در تاریخ ۱۱
- دوستم داری؟ ۵۳
- آسیاب بادی در غرب ۷۱
- آخرین روزهای یک دلچک مشهور ۸۹
- صنعت سایه ۹۷
- نامه‌ای به پسرمان ۱۰۳

یکی دو نکته درباره‌ی پیتز کری

پیتز کری سرآمد نویسندگان استرالیایی است. او حتا از جی.ام. کوئتری، نوبل‌گرفته‌ی اهل آفریقای جنوبی ساکن استرالیا. هم محبوب‌تر است. با دوبار گرفتن جایزه‌ی بوکر و یک‌بار نامزدی در لیست نهایی آن، چنان مَهر تأییدی پای داستان‌هایش زده که در چشم به‌هم‌زدنی کتاب‌هایش سرآمد پُرفروش‌ترین‌های آمریکا و بریتانیا قرار می‌گیرد.

اولین بار بوکر ۹۸ را برای رمان یکه‌تازش «اسکار و لوسیندا» از آن خود کرد، دومین بوکر هم سال ۲۰۰۱ به «تاریخ واقعی دارودسته‌ی کلی» اش رسید. سال ۲۰۰۸ هم نامزد دریافت این جایزه برای «سویهی نامشروع او» شد.

پیتز کری سال‌هاست با دست‌مایه قرار دادن زندگی خانوادگی آدم‌های عجیب و غریب، مطرود و درون‌گرا داستان‌هایی خلق می‌کند که سبک و سیاق خاص او را نشان می‌دهند. او می‌نویسد و همسرش

«فرانسیس کودی» برایش ویرایش می‌کند. پیتز کری می‌گوید: «به نظرم راز اصلی موفقیت من ازدواج کردن با بی‌رحم‌ترین ویراستار دنیا است، او بی‌رحمانه مجبورم می‌کند پُرگویی‌هایم را دور بریزم.»

پیتز کری سال ۱۹۴۳ در ایالت ویکتوریای استرالیا به دنیا آمد، جایی که در داستان‌هایش خط و ربط پررنگی دارد و بسیاری از شخصیت‌های غریب‌اش از همان‌جاها آمده‌اند. پدر و مادرش نمایشگاه اتومبیل داشتند و هیچ فکرش را نمی‌کردند که پسرشان بخواهد از راه نوشتن زندگی‌اش را اداره کند. کری می‌گوید: «خانواده‌ام اطمینان داشتند که نویسنده شدن یعنی از گرسنگی مردن.»

اما او مطمئن بود که نویسنده می‌شود. کمی بعدتر به نسبت جوانان استرالیایی، برای سری توی سرها درآوردن، راهی لندن شد و از سال ۶۷ تا ۷۰ مدام داستان‌هایش در مجله‌های ادبی چاپ شد. تمام روز یاداشت بکت می‌خواند یا آثار کافکا و جویس را زیر و رو می‌کرد و حتا از گابریل گارسیا مارکز و فوتوفن‌های نوشتنش هم نمی‌گذشت.

اولین مجموعه داستان او با عنوان «خیکی‌ها در تاریخ» سخت مورد استقبال قرار گرفت، مجموعه داستانی که سال ۱۹۷۴ با حمایت دانشگاه کوپینزلند منتشر شد و خیال‌کری را بابت نویسنده شدن راحت کرد. این مجموعه تمام آن‌چه را که بعدها ویژگی داستان‌نویسی‌اش شدند، یک‌جا داشت. کمی بعد با رمان «سعادت» در ۱۹۸۱ تبدیل به چهره‌ی ادبی استرالیا شد. او دیگر همان شده بود که حالا هست، نویسنده‌ای که به پشتوانه‌ی داستان‌های فانتزی‌اش و ماجراهای فراواقعی آن‌ها اعتبار پیدا کرد. شناسنامه‌ی داستان‌های او همین‌ها شد. این‌که درست در دل خیابانی که زندگی روزمره‌ی همه‌ی ما در آن می‌گذرد به ماجرای سخت دور از ذهن جان می‌بخشد و خواننده تا آخر داستان چنان با این ماجرا احساس هم‌دلی می‌کند که

دیگر یادش می‌رود این اتفاق چه‌طور ممکن است رخ بدهد. طبیعت آمیخته با وهم و ترس آدم‌هایی که در حاشیه زندگی می‌کنند با طنزی گزنده در داستان‌های کری ترکیب می‌شوند. او حالا با ۱۲ رمان و چندین داستان کوتاه در نیویورک امپراطور داستان‌نویسی به سبک خودش شده. «پل استر» دوست و همسایه‌ی نزدیک او در بروکلین می‌گوید: «هر وقت کتاب تازه‌ای از پیتز کری منتشر می‌شود، اولین مشتری صبح‌گاهی کتاب او در کتاب‌فروشی هستم.»

تازه‌ترین رمان او «شیمی اشک‌ها» سال ۲۰۱۲ منتشر شد، رمانی که بسیاری آن را قله‌ی داستان‌نویسی به سبک پیتز کری نامیده‌اند.